



مکاسب / حق تألیف

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بحث و کلام در حق تألیف می‌باشد و در جلسه مقدماتی درباره تاریخچه مطرح شدن این بحث و همچنین منشأ ورود این بحث در مسائل فقهی مطرح کردیم و در ادامه نیز مقدماتی را درباره این موضوع بیان می‌کنیم.

حق تکثیر، محل نزاع در بحث حق تألیف

مقصود از بحث حق تألیف و امثال آن مانند حق اختراع، نسبت دادن تولید فکری یا هنری و یا محصول فکر یا اندیشه شخصی به دیگری نیست که عدم جواز آن امری واضح است چون اسناد غیر مطابق با واقع و کذب می‌باشد. همچنین مراد از این بحث این نیست اگر مثلاً شخصی حاصل فکر خودش را در دفتر و یا اوراقی به نگارش در آورد کسی نمی‌تواند بدون اجازه در آن اوراق تصرف کند چون ملک اوست و کسی حق تصرف در ملک غیر بدون اذن او را ندارد بلکه آنچه محل بحث و کلام در بحث حق تألیف می‌باشد این است که مثلاً هر گاه شخصی کتابی نوشته است یا یک اثر هنری را تولید کرده است یا چیزی را اختراع کرده است، آیا دیگران بدون اجازه مؤلف یا مخترع و یا صاحب حق، اجازه تکثیر آن کتاب را دارند یا خیر؟

ریشه و منشأ طرح بحث حق تألیف

هر چند در بدو امر ممکن است این گونه بگوییم که شخصی که کتابی یا چیزی را خریده است مالک آن می‌باشد و طبق قاعده *لِلْمَالِكِ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالِهِ كَيْفَ يَشَاءُ* می‌تواند هر نوع تصرفی را در آن کتاب مانند استنساخ یا چاپ مجدد، انجام دهد. اما منشأ این بحث و طرح آن، این است که چه ارتباطی بین شخص مخترع، مبدع، مؤلف، محقق و صاحب یک نظر با نظریه، ایده و محصول فکر و یا ابداع و اختراع او با قطع نظر از اشیاء خارجی که بر طبق همان ایده و نظریه ساخته شده و یا کتابی که نوشته شده است، وجود دارد؟ آیا این ایده و نظریه در ملک صاحب آن نظریه و یا مبدع و



مخترع می‌باشد و با او علقه مالی دارد؟ یا این که اصلاً ارزش مالی ندارد؟ و یا اینکه بر فرض اینکه ارزش مالی داشته باشد آیا به صرف فروختن یک جلد از کتاب چاپ‌شده، ملکیت آن ایده و نظریه هم منتقل می‌شود یا خیر؟ به عبارت دیگر وقتی یک محصول فکری که در قالب کاغذ یا نوار یا سی دی یا هر ماده ریخته می‌شود، در این جا یک ماده و صورتی وجود که همان ظرف است و یک مظروف یا محصول فکری و مضمون علمی، در این جا این سؤال مطرح است که وقتی کتاب و یا سی دی و یا به فروش می‌رسد آیا جمیع شئون آن منتقل می‌شود یا خیر؟

نظریات در این مسئله

نظریه اول عدم ثبوت حق تألیف

نظریه اول در این مسئله که مرحوم امام نیز این نظریه را پذیرفته‌اند، این است که این حقوق معنوی برای صاحب اثر مطلقاً ثابت نیست چه در ضمن عقد شرط بکند و یا اینکه شرط نکند و دیگران هم می‌توانند بدون اجازه مؤلف و یا مخترع آن را تکثیر کنند و شخصی که کتابی را خرید مالک آن می‌باشد و هر گونه تصرفی برای او جایز است.

نظریه دوم ثبوت حق تألیف

نظریه دوم که بعضی از معاصرین مانند آقای مکارم و آقای سیستانی آن را پذیرفته‌اند این است که این حقوق معنوی مانند حق تألیف یا کپی‌رایت مطلقاً ثابت است چه در ضمن عقد شرط بکند و یا اینکه شرط نکند و دیگران اجازه تکثیر ندارند.

نظریه سوم تفصیل بین اشتراط و عدم آن در ضمن عقد

نظریه سوم در مسئله تفصیل در این مسئله است به اینکه اگر چنین حقی در ضمن عقد شرط شود این حق ثابت است و الا چنین حقی ثابت نیست.



عدم موضوعیت عنوان تألیف و تکثیر در بحث

نکته‌ای که در این بحث باید به آن توجه نمود عدم موضوعیت عنوان تألیف می‌باشد و شامل سایر ابداعات و اختراعات نیز می‌شود همچنین عنوان تکثیر که در این بحث ذکر شد نیز موضوعیت ندارد و بحث شامل ترجمه کتب هم می‌شود و داخل در محل بحث می‌باشد.

بررسی ادله ثبوت حق تألیف

در ابتدا به بررسی ادله که برای ثبوت این حق به آن‌ها تمسک شده است می‌پردازیم و آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

دلیل اول مالیت عرفی این حقوق

اولین و مهم‌ترین دلیلی که برای اثبات این حقوق به آن تمسک شده است این است که این حقوق از لحاظ عرفی مالیت دارند و محترم می‌باشند و وقتی امری مالیت داشته باشد و محترم باشد نمی‌توان در آن تصرف بدون اذن کرد و وقتی کتابی خریده می‌شود فقط در همین حد که آن نسخه را بخواند یا اینکه همان نسخه را در اختیاری دیگری قرار دهد مجوز دارد نه اینکه آن را تکثیر کند.

مفهوم کلمه مال

مفهوم کلمه مال اعم از عین می‌باشد که هم شامل اعیان مادی می‌شود و هم شامل منافع و امور غیرمادی و محسوس مانند حق اختصاص، حق انتفاع یا امثال این حقوق که ارزش عقلایی و عرفی دارد و مال محسوب می‌شوند و روی آن‌ها معامله واقع می‌شود مثلاً گاهی معامله بر روی خود خانه واقع می‌شود و گاهی انتفاع از خانه و یا حق اختصاص استفاده از آن خانه مورد معامله قرار می‌گیرد. و به طور کلی در معاملات آنچه به ازای آن ثمن پرداخت می‌شود همان جنبه مالیت اشیا می‌باشد که دارای دو خصوصیت هستند

۱. مرغوب‌فیه می‌باشند.

۲. در آن‌ها محدودیت وجود دارد.



پس اموری که این دو شرط را ندارند مثل اینکه مرغوب فیه نمی باشند و یا اینکه به خاطر اینکه در دسترس همه وجود دارد مانند هوا که ثمنی در ازا آن پرداخت نمی شود.

عدم ثبات وصف مالیت برای اشیا در طول زمان و مکان

نکته دیگری که در رابطه با مالیت اشیا قابل ذکر است این است که مالیت اشیا در طول زمان و یا در مکان های مختلف امر ثابتی نیست و ممکن است در برهه ای از زمان این صفت برای آن ها ثابت باشد و در زمان دیگری آن وصف ثابت نباشد مانند خون که در قدیم که وصف مالیت برای آن ثابت نبود چون فایده ای در آن نبود و معامله آن اکل مال بالباطل محسوب می شد اما در این دوره از زمان چون دارای صفت مالیت می باشد قابل خرید و فروش می باشد. بنابراین چیزی که مال نبوده است می تواند مال شود، چون دو شرط در مال بودن اشیا دخالت دارد، یکی رغبت و دیگری محدودیت که این دو شرط در شرایط مختلف متغیر می باشند و سؤالی که در این بحث مطرح است مالیت این حقوق معنوی مورد بحث در گذشته و حال می باشد.